خبر

جانشین فرمانده سپاه پاسداران تصریح کرد

اظهار عجز آمریکایی‌ها در برابر توان جمهوری اسلامی ایران

● **ایسنا:** جانشین فرمانده سپاه پاسداران در حاشیه مراسم رژه ملی در بندرعباس، گفت: «خویشتن‌داری ایران در برابر اقدامات خصمانه آمریکا، به‌دلیل حفظ حرمت اسلام است. پهپاد آمریکایی به‌دلیل ورود به مرزهای سرزمینی ایران مورد اصابت قرار گرفت و تمام کشورهای دنیا بدانند که اگر این عمل به‌وسیله هر کشوری تکرار شود، حتما پهپاد، هدف قرار خواهد گرفت». سردار علی فدوی افزود: بسیاری از کشورهای جهان از توانمندی‌های ایران مطلع هستند و آمریکایی‌ها در برابر توان جمهوری اسلامی ایران اظهار عجز و ناتوانی کردند. با توجه به اینکه اغلب توان جمهوری اسلامی در دریا به منصه ظهور رسیده است، این رژه ملی برای تأمین امنیت آب‌های خلیج فارس در بندرعباس برگزار شد. فدوی ادامه داد: فقط قسمت کمی از توانمندی‌های انقلاب اسلامی در نمایشگاه‌ها و رژه‌ها نمایش داده می‌شود و قسمت اعظمی از این توانمندی‌ها در مواقع لزوم در شرایط واقعی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

عباس فرج‌پور:

منتظر دستور ولایت برای نقش‌آفرینی هستیم

● **ایسنا:** رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات پدافند هوایی ارتش در مراسم اولین روز از هفته دفاع مقدس در سپاه پاسداران که در شهرستان ورامین برگزار شد، گفت: مسیر حرکت را ولایت مشخص می‌کند، هرچه فرمان و دستور از طرف ولی فقیه باشد، ملت فقط اطاعت خواهد کرد. هشت سال دفاع مقدس در یک جمله معنی ولایت‌مداری می‌دهد؛ در واقع جنگ تحمیلی و هشت سال مقاومت در برابر دشمنان یعنی تجلی ولایت‌مداری. سرتیپ دوم عباس فرج‌پور ادامه داد: در زمان جنگ با کمترین امکانات نظامی توانستیم در برابر کشور عراق که از طرف دشمنان ساپورت مالی و تجهیزات نظامی می‌شد، ایستادگی کنیم. امروز که دیگر منتظر دستور ولایت هستیم تا در برابر دشمنان نقش‌آفرینی کنیم.

روایت هاشمی‌رفسنجانی از شرایط پس از فتح خرمشهر و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸

چرا بعد از پذیرش قطع‌نامه، اعلام پیروزی نشد؟

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه‌ای با سایت شخصی در سال ۹۳ به ذکر ناگفته‌هایی از هشت سال دفاع مقدس پرداخت که در آن به دو موضوع مهم اشاره می‌کند؛ نخست موضع دقیق امام بعد از فتح خرمشهر و دوم نوع رویکرد دیپلماتیک جمهوری اسلامی بعد از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ که بخش‌هایی از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

هاشمی‌رفسنجانی درباره استراتژی جنگی ایران بعد از فتح خرمشهر گفت: «فکر می‌کنم استراتژی مهم قضیه، بعد از فتح خرمشهر از طرف امام ارائه شد که یک راهنمایی برای بعد از آن بود که چه سیاستی را پیش بگیریم. از لحاظ تاریخی در آن مقطع مباحثی داشتیم که کاملا بین امام و نیروهای نظامی بود. فرماندهان ارتش و سپاه چند روز پس از فتح خرمشهر در جلسه‌ای که به عنوان جلسه شورای عالی دفاع بود، خدمت امام رسیده بودند. من و آیت‌الله خامنه‌ای هم بودیم. آن موقع من سخنگوی شورای‌عالی دفاع بودم. خرمشهر فتح شده بود و نیروهای ما خیلی شاداب بودند. نیروهای زیادی هم عازم جبهه‌ها می‌شدند. عراقی‌ها هم خیلی سرخورده بودند. طبیعی این بود که در تعقیب نیروهای فرارکرده بعثی وارد خاک عراق شده و آنها را در خاک خودشان منهدم کنیم. جلسه هم برای این تشکیل شده بود که چه کار کنیم؟ امام در قدم اول هم با ورود به خاک عراق مخالفت کردند و هم با ختم جنگ. چون برای نظامی‌ها یک مشکلی پیش آمده بود و با منطق آنها سازگار نبود. آنها می‌گفتند که اگر عراق بفهمد ما پشت مرز می‌ایستیم و داخل خاک نمی‌شویم با خیال راحت قوای خود را بازسازی می‌کند. به علاوه مقدار زیادی هم از ارتفاعات سرشکن ما در غرب را در اختیار دارد و ممکن است بار دیگر با تجربه بیشتر و حمایت دیگران به شکل دیگری حمله‌اش را آغاز کند. با اینکه شخصیت امام، زبان نظامی‌ها را مقداری کُند می‌کرد، ولی انصافا کارشناسانه حرف زدند. گفتند اینکه ما دشمن منهزم را تعقیب نکنیم و به آنها فرصت تجدید قوا بدهیم با منطق نظامی نمی‌خواند. اگر ما بخواهیم جنگ را ادامه دهیم، نمی‌توانیم بگوییم که ما تا مرز می‌آییم. بعد از این دیگر دشمن چه مشکلی دارد؟».

او درباره اینکه چرا امام مخالف ورود به خاک عراق بود، اظهار کرد: «امام هم با آن روحیه‌ای که داشتند، در مقابل منطق خاضع بودند و با همه قاطعیتی که داشتند، منطق اینها را پذیرفتند و گفتند که راه دیگری انتخاب کنید. چند دلیل آوردند که نباید وارد خاک عراق شویم که قبلا هم گفته بودند. یکی این بود که با ورود ما به خاک عراق، مردم عراق هم آن‌گونه که الان روحیه آنها با ماست، (چون مردم عراق در جنگ بیشتر طرفدار ما بودند و علاقه‌ای به صدام نداشتند) آن موقع حس وطن‌خواهی آنها باعث می‌شود که پشت سر دولت و ارتش عراق بایستند. دوم اینکه دنیای عرب هم احساس خطر می‌کند و روحیه ناسیونالیسم عربی گل می‌کند و برای عراق نیروی زیادی می‌گذارند. سوم هم اینکه جهان حاضر نیست این‌گونه ببیند که ما عراق را تصرف کردیم. همه اینها باعث می‌شود که کار ما در جنگ مشکل شود. بعد هم یک دلیل انسانی و دینی را اضافه کردند و گفتند که مردم عراق دوستان ما هستند و ما در آینده با مردم عراق باید کار کنیم و آنها هم به ما تکیه خواهند کرد. ما نباید به مردم عراق صدمه بزنیم چراکه یکی از اهداف ما در ادامه نجات مردم عراق از دست بعثیان خون‌آشام بود. تا حال آنها به کشور ما آمده بودند و ما با آنها به عنوان متجاوزین می‌جنگیدیم. وقتی که به آنجا برویم مردم آسیب می‌بینند. این به قسمت بعدی هم که می‌خواهم بگویم، مربوط می‌شود از این جهت همه اینها در جنگ برای ما یک راهنما شد. با پیشنهاد امام راه‌حلی انتخاب شد و دیگران هم قبول کردند و آن این بود که اگر می‌خواهید وارد خاک عراق شوید و ضرورت دارد وارد شویم در جایی وارد شویم که مردم نباشند و یا خیلی کم باشند. شما چنین جایی را پیدا کنید و وارد خاک عراق شوید تا هم قدرتتان را نشان بدهید و هم خاطر دشمن راحت نشود. این استراتژی شد که امام به ما دادند. در آن جلسه من و آیت‌الله خامنه‌ای بحثی نکردیم. چون ما نظامی نبودیم، آنها بحث می‌کردند. با این جمع‌بندی از خدمت امام بیرون آمدیم. متأسفانه بعدا ما نتوانستیم این نوار را پیدا کنیم و یا دفتر امام این نوار را نداد، چون ما دبیرخانه‌ای داشتیم و آقای نظران مذاکراتمان را ضبط می‌کرد و نگه می‌داشت، هر وقت مراجعه کردیم گفت که من ندارم. واقعیت آن جلسه این بود».

هاشمی‌رفسنجانی اختلاف سپاه و ارتش در نحوه جنگیدن را این‌گونه روایت کرده بود: «بعدا طراحی همین شد که ما به سراغ جاهایی برویم که مردم آسیب نمی‌بینند. تا مدتی که من فرمانده جنگ نبودم دو، سه عملیات مثل رمضان و والفجر مقدماتی انجام شد که ناموفق بود. برای انجام آن چند عملیات هم بین ارتش و سپاه که خیلی صمیمی بودند، اختلاف افتاد. چون هر دو می‌خواستند خوب بجنگند. ارتش می‌خواست کلاسیک بجنگد و سپاه هم اصل غافلگیری را انتخاب کرده بود و شیوه دیگری در جنگ داشتند. لذا اختلاف به وجود آمد. بالاخره ضرورت پیدا کرد که کسی در آنجا باشد و جنگ را فرماندهی و این اختلافات را حل کند که من از سوی امام به‌عنوان فرمانده جنگ انتخاب شدم. با سران قوا در جلسات ۵ نفری که داشتیم، مطرح کردیم و همه متفق بودیم که جنگ را باید به صورتی خاتمه دهیم که ما از عراق گروگان بزرگی داشته باشیم تا هم خواسته‌هایمان تأمین شود و هم به اهداف خود در جنگ برسیم. اهداف متجاوزانه‌ای نداشتیم. بالاخره کسی تجاوز کرده و باید کیفرش را ببیند و ما هم خسارت دیدیم و باید خسارت بدهند».هاشمی در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود نامه صدام به شما که گفته بود: «جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی، دیگر همه‌چیز روشن شده و شما به هرچه می‌خواستید رسیدید»، پذیرش قطع‌نامه را یک فتح بزرگ نمی‌دانیم و آن را جشن ملی اعلام نمی‌کنیم، گفت: «این چراها ادله‌ای دارند که به‌موقع به آنها می‌پردازیم. من هم همان موقع سخنرانی و تحلیلی را گفتم که این سوره فتح بعد از پیروزی بر مشرکان و گرفتن مکه و فتح مکه نازل نشده؛ بلکه برای صلح حدیبیه نازل شده است پس از صلح حدیبیه خیلی از کسانی که در آنجا حاضر بودند گریه می‌کردند و می‌گفتند که در مقابل مشرکین کوتاه آمدیم و ضعیف شدیم. این موضع تا آنجا بود که پیامبر خدا(ص) وقتی می‌خواستند صلح‌نامه بنویسند، بعضی کلمات خودشان را به خواست آنها عوض می‌کردند. ولی آن‌موقع سوره فتح نازل می‌شود و خداوند «انّا فتحنا لک فتحا مبینا» را می‌گویند. من هم حقیقتا فتح را همین‌جا می‌دیدم. یعنی ما با یک شگرد دیپلماتیک به‌گونه‌ای رفتار کردیم و شرایط را فراهم کردیم که همان‌هایی که در سازمان همیشه علیه ما رأی می‌دادند این‌بار به نفع ما رأی دادند. همان‌طور که گفتم رفتار ما به‌گونه‌ای بود که اولا دنیا از ما مسئولیت‌شناسی دید و دید که ماجراجو نیستیم و یک حرف منطقی داریم و برای حرف منطقی خودمان مقاومت می‌کنیم. بعد انعطاف ما را در چیزی دیدند که فکر نمی‌کردند در مواردی انعطاف نشان بدهیم. در آن شرایط می‌توانستیم در تنگه هرمز برای دیگران مشکل ایجاد کنیم اما نکردیم و گفتیم که امنیت یا برای همه یا برای هیچ‌کس. تا این حد حرف می‌زدیم. می‌توانستیم آن‌موقع انتقام بیشتری از آمریکایی‌ها در خلیل از جاها بگیریم. لزومی نداشت وارد این کار شویم. امام هم مسائل را هدایت می‌کردند. بالاخره با آن رفتار و حرکت منطقی که کردیم، هم صلح‌دوستی خودمان را نشان دادیم هم روی حق خود پافشاری کردیم و هم به آن نقطه‌ای که باید می‌رسیدیم، رسیدیم. فتح واقعی اینجا بود. آن جمله‌ای را که صدام نوشته بود در خاطره‌ای از یکی از اسرا دیدم که حق مطلب را به خوبی بیان کرده بود. او در خاطراتش نوشته که پشت سیم‌های خاردار ایستاده بودیم و به تلویزیون عراق گوش می‌دادیم. صدر خاطره آن آزاده این جمله صدام بود که در جواب من نوشته بود. حرفی که این آزاده زد واقعیت‌ها را در همان خاطره کوچک به درستی مشخص کرده است. یعنی بعد از پذیرش قطع‌نامه تا آن روز فضای تلخی بر خیلی از رزمنده‌ها، اسرا و خانواده شهدا حاکم بود که ما چه کار می‌کنیم؟ اما وقتی آن جمله را شنیدیم همه فهمیدیم که نظام در حال انجام‌دادن چه تدبیری است».

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **میدان شهدا:** تابلوی میدان شهدا نصب شده، اما میدانی وجود ندارد! از مسئولان سازمان ترافیک شهرداری تهران تقاضا داریم برای پیشگیری از ازدحام و ترافیک خودروها میدان بسازند.

مهندس فرزین جبلی

● **چرا برنج متولی ندارد؟** چرا برنج متولی ندارد و این مسئله باعث افزایش قیمت برنج ایرانی و نارضایتی مردم شده است.

محمد سیدین

● **خودروها و رهگذران پرواز کنند؟** ضعف در جمع‌آوری وانتی‌های میوه‌فروش تعداد آنها را در سطح شهر تهران چندبرابر کرده است. در خیابان فداییان اسلام، خیابان شهرزاد سابق و رجب‌نیا، به‌ویژه مقابل بیمارستان مهدیه، وانت‌بارهای میوه‌فروش راه را بند آورده و ترافیک ایجاد کرده‌اند و مردم رهگذر برای رفت‌وآمد باید از فراز آنها پرواز کنند. شاید وانتی‌ها بگویند چه ایرادی دارد؟ ایراد اول آنکه گفتیم راه کنار پیاده‌رو و کنار خیابان را مسدود می‌کنند. ایراد دوم اینکه ترازوهایشان خراب است. ایراد سوم اینکه وانت برای حمل میوه است نه فروش میوه. سوم اینکه کار مغازه میوه‌فروش را کساد می‌کنند که ماهانه باید نیمی از درآمدش را اجاره‌بها بدهد. چهارم اینکه مکان فروش آنها مکان میوه‌فروختن نیست و گذرگاه است؛ باز هم بگویم؟ بی‌کاری بیداد می‌کند؛ چرا شهرداری منطقه ۱۵ تهران جایی را برای فروش وانت‌های میوه در نظر نمی‌گیرد؟ شهرداری که زمین‌های بایر و متروکه و فنس‌کشیده زیاد دارد. درباره این موضوع با سامانه ۱۳۷ هم تماس گرفتم که کد پیگیری ۸۸۷۹۶۳۵۵۶۰ را اعلام کردند، اما از هنگام تماس با سامانه تا به حال هیچ اقدامی نشده است.

یک شهروند از تهران

● **شب‌ها ورود به پارک سرخه‌حصار ممنوع!** شب‌ها از ورود مراجعان به پارک سرخه‌حصار به بهانه تاریکی توسط مأموران پارک جلوگیری می‌شود؟ درهای پارک که نباید روی مردم بسته شود. شهرداری باید روشنایی پارک را تأمین کند تا مردم هرموقع دلشان خواست به پارک جنگلی سرخه‌حصار رفت‌وآمد کنند. محدودیت در پارک‌ها چه توجیهی دارد؟

رامین رهبری از تهران